

۱۳۳۸۱۵۳

آقای رئیس جمهور، سه نقطه

(مجموعه مقالات چاپ شده در روزنامه اقتصادی آسیا)

نویسنده : پیمان رحیمی نژاد

ناشر : انتشارات تهران صدا تلفن : ۸۸۸۳۶۵۹۵

با همکاری : گروه توسعه ساختمانی پیمان (دبای بهتر)



شماره شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۹۵-۰۵-۳



انتشارات تهران صدا

شماره پروانه: ۱۹۸۹

عنوان و نام پدید آورنده: آقای رئیس جمهور، سه نقطه، رحیمی نژاد، پیمان، ۱۳۴۱

با همکاری گروه توسعه ساختمانی پیمان (دنیای بهتر)

مشخصات نشر: تهران صدا، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

شابک: ۹۶۴-۰۵-۰۳

وضعیت فهرست نویسی: خیابان

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در پایگاه <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

یادداشت: چاپ انتشارات تهران صدا

یادداشت: چاپ اول ۱۳۹۴

موضوع: اجتماعی (فرهنگی، اقتصادی)

موضوع: مقالات (چاپ شده در روزنامه اقتصادی آسیا)

شناسه افزوده: رحیمی نژاد پیمان، مقاله نویس

شناسه افزوده: روزنامه اقتصادی آسیا

طراحی جلد: آقای امیرحسین مظاهری نیا

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی:

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۸۴۶۹۹۶

آقای رئیس جمهور، سه نقطه

با همکاری شرکت توسعه ساختمانی پیمان (دنیای بهتر)

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

لیتوگرافی: نسیم ایده پردازان / چاپ: نجم / صحافی: نجم / چاپ اول ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه / قیمت: ۲۴۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات تهران صدا / تلفن: ۸۸۳۶۵۹۵

فهرست مطالب

۱۱	۱ - کمک
۱۶	۲ - اسیرام
۲۰	۳ - اسیر
۲۳	۴ - روزهای غم‌نگیز
۲۷	۵ - خلاقیت
۳۱	۶ - درختی پر از سار
۳۵	۷ - پنجره‌گیری
۳۹	۸ - بسیجی
۴۴	۹ - بیماری
۴۸	۱۰ - فقط رونق اقتصادی
۵۴	۱۱ - شفافیت
۵۸	۱۲ - مسکن بی‌مهری
۶۳	۱۳ - خطر
۶۶	۱۴ - سیب دوم
۷۲	۱۵ - پرستار زشت
۷۶	۱۶ - توریست ایرانی
۸۱	۱۷ - انفجار مسکن

- ۱۸ - لابی ایرانی ۸۶
- ۱۹ - منطقه آزاد ایران ۹۰
- ۲۰ - قدرت مشارکت ۹۸
- ۲۱ - نجات تقویم هجری ۱۰۵
- ۲۲ - ایان مدرسه کارخانه‌ای ۱۱۱
- ۲۳ - مدرسه فردا ۱۱۶
- ۲۴ - فرصت اک ۱۲۱
- ۲۵ - آتش‌سوزی ۱۲۶
- ۲۶ - مدیران هیزم جوش ۱۳۱
- ۲۷ - خطای قناعت ۱۳۵
- ۲۸ - یارانه اجتماعی ۱۴۰
- ۲۹ - بلای یارانه ۱۴۵
- ۳۰ - باز کاپیتولاسیون ۱۴۹
- ۳۱ - قربانی یا متهم ۱۵۳
- ۳۲ - صدای طبقه متوسط ۱۵۷
- ۳۳ - جعبه جادو ۱۶۲
- ۳۴ - نگاه شرافتمندانه ۱۶۶
- ۳۵ - شانس پاکت باز نشده ۱۷۳
- ۳۶ - صادرات غیره ۱۷۷
- ۳۷ - فرصت خلق حماسه ۱۸۲
- ۳۸ - سؤال کنید ۱۸۶
- ۳۹ - دومینوی بورس و مسکن ۱۹۰

- ۴۰ - داستان میکل آنژ ۱۹۴
- ۴۱ - فرصت جوان ایرانی ۱۹۹
- ۴۲ - یک مشت سوئی تفاهم ۲۰۳
- ۴۳ - نرم افزارهای معیوب ۲۰۷
- ۴۴ - شاید رنگی دیگر ۲۱۱
- ۴۵ - نامعادلات ایرانی ۲۱۵
- ۴۶ - داستان کاشتن لوله ۲۱۹
- ۴۷ - عدالت خیلی ۲۲۳
- ۴۸ - پایا: ریخت ۲۲۷
- ۴۹ - پایتخت سردا ۲۳۱
- ۵۰ - چرا خطاب به شما؟ ۲۳۶
- ۵۱ - درمان درمان ۲۴۰
- ۵۲ - آخرین روزهای تلویزیون ۲۴۴
- ۵۳ - جمهوری کیش ۲۴۸
- ۵۴ - درسهای فوتبالی ۲۵۳
- ۵۵ - نفحات نفت ۲۵۷
- ۵۶ - پوپولیسیم خودمونی ۲۶۱
- ۵۷ - توپ بازی ۲۶۵
- ۵۸ - درد دل ۲۶۹
- ۵۹ - سفر به نیر ۲۷۳
- ۶۰ - اقتصاد تهاجمی ۲۷۸
- ۶۱ - شجاعت پذیرش ۲۸۳

- ۶۲- نگاه چپ چپ ۲۸۷
- ۶۳- هانیبال ایرانی ۲۹۱
- ۶۴- بی فکری ۲۹۵
- ۶۵- پاشایی ۲۹۹
- ۶۶- نجات از گرداب ۳۰۴
- ۶۷- اقتصاد بی برکتی ۳۰۸
- ۶۸- سیاست ایران ۳۱۲
- ۶۹- دانش یا اینکاز؟ ۳۱۶
- ۷۰- نگاه به درون ۳۲۰
- ۷۱- داستان یک شیر ۳۲۴
- ۷۲- اطاق انقلابی ۳۲۸
- ۷۳- به اوباما ۳۳۲
- ۷۴- دشمن طلایی ۳۳۷
- ۷۵- کارسنجی ۳۴۱

مقدمه

دال‌ها درس می‌کنیم کاری را انجام دهیم اما نمی‌شود. دانسته‌هایمان را با قدرت تبدیل به پستی می‌گیریم، اما نتیجه نمی‌دهد. روش‌هایمان را با سخت‌کوشی بیشتر پی می‌گیریم، اما نتیجه نمی‌دهد. فرقی نمی‌کند در حوضه زندگی شخص به‌ای یا در حوزه اقتصاد و فرهنگ اقتصادی. بعضی وقتها هر کار می‌کنیم نتیجه نمی‌دهد! چرا؟

به نظر من قوانین، رویه‌های اجرایی و ارزش‌های احتمایی شبیه ماشین هستند. نیاز به نگهداری دارند. گاه تعویض روغن لازم است. گاه تعویض یک قطعه و گاه تعمیر اساسی. اما پس از مدتی باید به اورا سی‌سی برده شوند. راهی نیست. یک جایگزین تو لازم است. یک جانشین به‌مراکز نه تولید با تکنولوژی قدیمی باز تولید جنس کهنه است. مثل سال‌های طولانی که پیکان تولید می‌کردیم. تولید محصول تاریخ گذشته.

در مورد علوم اجتماعی هم ممکن است کهنگی از جنس استهلاک باشد، یا از جنس آنتروپی، یا حتی از جنس تاریخ گذشته شدن. اصل موضوع فرقی ندارد. نیاز به اصلاح هست. دانش یک فرد تحصیل کرده اگر فراموش هم نشود تاریخ گذشته می‌شود. آموزش دائم لازم است. با تغییر شکل زندگی، قوانین اکسپایر می‌شوند. در بلندمدت تغییر اساسی لازم است. مثل قانون تجارت ایران که اکسپایر شده است. رویه‌های اجرایی، کهنگی نه تنها مفید نخواهند بود بلکه مانع پیشرفت می‌شوند. و نجات از نمایان گردابها یک پیش نیاز دارد، آگاهی. برای شروع، آگاهی به اینکه من، چه می‌دانم نیستم). پس می‌توانم جور دیگر نگاه کنم. و من در اینجا من سعی می‌کنم جور دیگر بینم. همین.